

کشورهای روبه رشد و کمترین انکشاف یافته آسیا و اقیانوسیه و همگرایی منطقوی



عنایت "نبیل بارکزی"

یادمانی: خوانندگان نهایت عزیز، من این مطلب را درست پانزده سال قبل نوشته بودم. اما از آنجایی که همگرایی منطقوی، که بهترین مثال آن اتحادیه اروپا است، بمثابة یک عامل باارزش در مناسبات سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و بخصوص بحیث یک انجن یامحرک موثر انکشاف اقتصادی و تجارتی، عمل می نماید، خواستم انرا با علاقمندان و دوستان شریک سازم.

مسئله همگرایی منطقوی در عرصه اقتصاد، تجارت و ترانزیت اکنون در جهان اهمیت ویژه ای کسب نموده و متفکرین و سیاست گذاران را واداشته است تا در بیانات، نوشته ها و سیاست گزاریهایی شان به این اصل با دقت کامل و بیشتر از پیش برخورد نمایند.

کشور های که به این اصل در پالیسی های اقتصادی شان توجه نموده و سعی نموده اند از آن بهره مند گردند، دست آورد های قابل ملاحظه ای داشته و توانسته اند از آن بحیث یک فکتور قوی در جهت رفاه و توانمندی اقتصادی ملل خویش مستفید شوند.

کشور های آسیا و اقیانوسیه اگرچه از مدتی است با ایجاد سازمانهای منطقوی دست زده اند، صرف در جریان دهه های اخیر توجه بیشتری به همگرایی منطقوی نموده، و میخواهند با استفاده از تجارب مثبتی که سایر مناطق جهان در این عرصه دارند، بسود مردمان شان قدمهایی جدی تر برداشته و آرزو ها و خیالات را به واقعیت و عمل تبدیل نمایند.

کشور های روبه انکشاف و کمترین انکشاف یافته آسیا و اقیانوسیه در حالیکه در چوکات سازمانهای منطقوی و هم در چوکات تفکر جنوب - جنوب برای همگرایی و تامین روشهای سود مند و موثر همکاریهای اقتصادی مساعی بخرچ می دهند، لازم است در برابر سیاست ها و پالیسی های کشور های رشد یافته و سازمانهای مالی و پولی بین المللی در یک صف واحد قرار گرفته و آنها را تحت فشار قرار دهند در تصامیم و شیوه های کاری شان تغییراتی را رونما سازند که زمینه انکشاف بهتر و سریعتر بشري و رفاه اقتصادی کشور های روبه رشد، مخصوصاً کمترین انکشاف یافته را مساعد سازد.

چندی قبل کنفرانسی تحت عنوان UNDP Regional Conference, Promoting human development in trade regionalism: Scope for South – South cooperation in the Asia Pacific به ابتکار مرکز همکاری های منطقوی UNDP در کولمبو و UNDP اندونیزیا به اشتراك دانشمندان اقتصاد، متخصصین سازمانها ملل متحد، کارمندان عالیرتبه دولتی و نماینده گان جامعه مدنی در بالی – اندونیزیا برگزار گردید. در این کنفرانس در حالیکه همه اشتراك کننده گان همگرایی اقتصادی منطقوی را يك اصل عمده و يك عامل بس با اهمیتی در انکشاف بشري و تسريع

رشد اقتصادی کشور ها میدانستند، در رابطه به اینکه اثرات مثبت آن به کشور های رشد یافته و کمترین انکشاف یافته منطقه یکسان نبوده و کشور های رشد یافته و صنعتی منطقه نسبت به کشور های کمترین انکشاف یافته بیشتر از آن سود برده اند، ابراز نگرانی نمودند. در این کنفرانس همچنان در مورد تأثیرات بحران نهایت عظیم اقتصادی که جهان به آن مواجه است صحبت شد. نظریات ارائه شده هم جنبه های عامی را که به بهبود اقتصاد کشور های آسیا و اقیانوسیه کمک میکند در بر گرفته و هم قسمامقابل به وضع بحرانی کنونی رانیز احتوا میکند.

به یقین خوانندگان محترم از اینکه افغانستان یکی از 49 کشور کمترین انکشاف یافته جهان است و با توجه به اینکه کشور محاط به خشکه بوده و هنوز از جنگ سی ساله ای که گریبانگیر آن است، بطور کامل رهائی نیافته است، به همگرایی منطقوی با اشتیاق و علاقمندی بی پایان داشته و همکاریهای اقتصادی و همگرایی منطقوی را بمثابة یک عامل مثبت انکشاف کشور و رفاه مردم دانسته و در صدر اولویتهای سیاست خارجی خویش قرار داده است. با توجه به همین اصل است که افغانستان به اکثر سازمانهای همکاری منطقوی پیوسته، به اهداف آنها وفادار بوده، در جهت نیل به این اهداف با استواری گام میبرد. افغانستان هم اقدامات همه جانبه ای را در جهت تحقق پروگرام و پروژه های منطقوی در کشور در دست اجرا داشته و هم روی شیوه های بهتر و مثمر عملی شدن آن کار مینماید.

باید گفت با وصف اینکه همه کشور ها بدون استثنا به مفیدیت همگرایی منطقوی معتقد بوده و وکار و پیکار در جهت باروری و گسترش آن دوام دارد، منافعی که از همگرایی اقتصادی و همکاریهای اقتصادی منطقوی متصور است، نصیب همه کشور های که عضو سازمانهای منطقوی اند، نگردیده است. باید علاوه کرد، چالشهای که در مسیر تحقق همگرایی منطقوی قرار داشته و دارد، اکثراً سبب میشود بهره مند شدن از ثمر همکاریهای اقتصادی منطقوی برای کشور کمتر رشد یافته دشوار گردیده و حتی بعضاً ناممکن گردد.

نماینده افغانستان در این کنفرانس روشن ساخت که، روند فعلی در سیاست های اقتصادی منطقوی انچنانیکه لازم است به نفع کشور های کمترین انکشاف یافته بخصوص کشر های محاط به خشکه و آن کشور های که مانند افغانستان بحران عمیق و طویل را پشت سر گذاشته و یا در حال گذار هستند، نمی باشد و خواهان روش موثر تر و تغیر در پالیسی های کشور های توانمند تر منطقه و کشور های رشد یافته جهان به نفع کشور های کمترین انکشاف یافته گردید. برای اینکه همکاریهای منطقوی به شکل موثر آن بسود همه کشور های یک منطقه تمام شود، لازم است،

- همه کشور های منطقه حتی فراتر از محدوده یک منطقه باید مشترکاً علیه عوامل بی ثباتی بشمول تروریزم مبارزه و همکاری جدی نمایند.
- نباید اجازه داد مشکلات سیاسی سد راه همکاری های منطقوی و انکشاف آن گردد.
- کشور ها، بخصوص کشور های توانمند مناطق مختلف، باید به تعهداتی که در چوکات همکاریهای منطقوی میدهند با جدیت عمل نموده و در عمل آنرا نقض نکنند.
- کشور ها در پلان های ملی انکشافی ملی شان، همکاریهای و پروژه های منطقوی را گنجانیده و با توجه جدی به آن برخورد کنند.
- باید پروژه های که ماهیت منطقوی داشته باشد روی دست گرفته شده و عملی گردد. مساعدت کشور های انکشاف یافته و سازمانهای مالی و پولی بین المللی در تامین منابع مالی و مهارت های تخصصی و فنی و تکنالوژی مورد نیاز شرط اساسی رسیدن به نتیجه مطلوب است.

در حالیکه کشور های عضو بعضی از سازمانهای منطقوی تا حدود زیادی یاد شده فوق را را مد نظر داشته و یا در جهت رعایت آن سعی مینمایند، در بسا از سازمانها به آن توجه جدی نشده و در نتیجه نتایج بدست آمده تا اکنون انچنانی که ارزش برده میشد، نیست. بادرک این مطلب لازم است کشور های عضو سازمانهای منطقوی بخصوص کشور های کمترین رشد یافته این سازمانها بحیث یک صف واحد در مورد طرق بهتر و شیوه های موثر همکاریها و همگرایی اقتصادی که ثمر آن شامل حال کلیه

کشور های یک منطقه بوده و حتی در صورت امکان به کشور های نادارتر و فقیر منفعت بیشتر را به ارمغان آورد، فعالیتهای شانرا هم اهنک نموده کار مشترک نمایند.

همکاریهای اقتصادی منطقوی بخصوص در شرایطی که بحران عظیم و خفه کننده بر اقتصاد جهان بخصوص بر اقتصاد کشورهای پیشرفته جهان چیره گردیده است میتواند نقش مهم و اثر گذاری را ایفا نماید.

خبره گان اقتصاد معتقد اند که،

- کشور های کمترین انکشاف یافته و رو برشد میتوانند با معرفی محرکه های مناسب اقتصاد شان را از ورشکستگی نجات دهند، و ان در صورتی ممکن است که شرکای تجارت شان وسایرکشورها نیز عین پالیسی را اتخاذ نمایند. این امر به انکشاف تولید داخلی خیلی سودمند واقع خواهدشد.
- توجه به این که کشور های روبه انکشاف در تمام عرصه های اقتصادی از طریق همکاری در بخش های مالی ، تخنیک و تحقیق نقش خود را تحکیم بخشند.
- کشورهای منطقه با استفاده از این درس باید به همگرای عملی اقتصادی بپردازند.
- باید اصلاحات جدی و اساسی در ساختار و شیوه کار سازمانهای مالی بین المللی بوجود آید.
- با توجه به بحران مالی بسیاری از کشور های منطقه باید بر پالیسی های اقتصادی خود تجدید نظر نمایند.
- تجارت و توسعه آن صرف نباید جهت تجارتی داشته باشد، بلکه کشور های روبه رشد را در صنعتی شدن و انکشاف کمک کند.
- Trade Liberalization آنچنانکه از طرف سازمانهای مالی و پولی بین المللی برکشور های روبه انکشاف تحمیل می گردد، به نفع کشور های روبه انکشاف نبوده و ضرورت مداخله معین دولت در این عرصه امر ضروری و مفید میباشد.

با توجه به آنچه در بالا تذکر رفت در رابطه به همگرایی منطقوی بطور عام و بادر نظر داشت بحران کنونی مطالب ذیل قابل تامل است.

1. همکاریهای منطقوی، جنوب- جنوب منحیث پرنسیب برای کشور های روبه رشد و هم کمترین رشد یافته مفید است.
2. ارقام موجود انعکاس گر این حقیقت است که در روند کنونی کشور های کمترین انکشاف یافته نسبت به کشور های روبه انکشاف که دارای توان اقتصادی و صنعتی بیشتر هستند، از همکاری های منطقوی و جنوب- جنوب کمتر مستفید شده اند.
3. Trade Liberalization بدون مداخله معقول حکومت و عدم موجودیت قوانین و مقررات معین و تشویق افراطی کشور های رو به رشد به ازاد گذاشتن بدون قید و شرط بازار، بسود کشور های روبه انکشاف نبوده و حتی میتواند بعضاً به زیان آنها تمام شود.
4. کشور های روبه رشد / جنوب- جنوب قبل از پذیرفتن تعهدات دو جانبه یا چند جانبه باید با دقت اثرات وسیع تعهد را بر انکشاف اقتصادی و اجتماعی خویش تحلیل و بعداً داخل اقدام گردند.
5. در مذاکرات فعلی تغیر اقلیم و جلوگیری از آلوده گی محیط زیست فورمول پیشنهادی کشور های انکشاف یافته برای انکشاف بعدی کشور های روبه رشد موانع ایجاد خواهد کرد. توافق به آن باید با توافق جدی و الزامی کشور های انکشاف یافته به انتقال تکنالوژی که کشور های روبه رشد بامستفید شدن از ان تعهد شانرا با حفظ امکانات رشد اقتصادی عملی نموده بتوانند، توام باشد .

6. سیستم، ساختار و پالیسی های سازمانهای پولی و مالی بین المللی نیازمند اصلاحات جدی است.
7. ایجاد يك Asia Monetary Fund یا بانک منطقه‌ای بخصوص يك صندوق برای حالات عاجل Emergency Fund برای کشورهای آسیا و اقیانوسیه يك امر ضروری است.
8. کشورهای رو به انکشاف ظرفیت لازم طرح پالیسی صنعتی همه جانبه را نداشته و مقررات بین المللی موانع جدی را در برابر حکومت کشورهای رو به انکشاف در اتخاذ يك پالیسی صنعتی ایجاد نموده است.
- فورم آسیا و اقیانوسیه مورخ 22 اکتوبر 2008 نیز در رابطه به تغیر در پالیسی همکاریهای اقتصادی و تعهدات کشورهای رو به رشد به کشورهای جنوب توصیه مینماید نیز مورد تأیید دانشمندان اقتصاد قرار داشته و در کنفرانس بالی مورد تأیید مجدد قرار گرفت. در این اعلامیه همکاری انکشاف سه جانبه و جنوب - جنوب برای انکشاف متداوم کشورهای رو به رشد موثر دانسته شده و گفته شده همکاری جنوب- جنوب يك مکمل با ارزش همکاریهای شمال- جنوب میباشد. همچنان در آن سعی برای استفاده موثر مساعدها، انتقال تکنالوژی و مهارتها و رعایت اعلامیه پاریس و فورم ACCRA در مورد Aid Effectiveness تأیید شده است.

در کنفرانس بالی اشتراك كننده گان بخصوص علمای اقتصاد و مخصوصاً آنانیکه مدت زیادی را در سازمان ملل متحد و سازمانهای اختصاصی آن خدمت نموده اند با جدیت از نقش دولت در پالیسی های اقتصادی و تجارتی دفاع نموده و آزادی بدون کنترل بازار یا Liberalization بدون Regulation را با شدت رد نموده و بحران مالی کنونی دنیار را محصول سیاست های New Conservatism می دانستند. در نشراتی که در کنفرانس بالی پخش گردید و در بعضی از نشراتی که به کمک مالی بعضی از سازمانهای اختصاصی ملل متحد به چاپ رسیده است، از سیاست های Protectionism کشورهای در مراحل آغاز صنعتی شدن حمایت گردیده و مثالهایی از مراحل ابتدای صنعتی شدن کوریا و تایوان تذکر رفته است. اگر چه در این مورد بحثهای جدی و داغی بین اقتصاد دانان و کمپ های مختلف وجود دارد، توجه به آن و تعمق بیشتر در پالیسی های تجارتی، صنعتی و مالیاتی برای افغانستان و کشورهای که در شرایط مشابه افغانستان قرار دارند یعنی مرحله صنعتی شدن را حتی آغاز هم ننموده اند، در خور تعمق جدی است.
